

بررسى تمایل و عدم تمایل زنان سه فرزندى استانهاى ایران

به افزایش تعداد فرزندان با توجه به زبان

حجت ا... سیف الهی

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده: ۱- با توجه به تمایلات قومیت‌های بلوچ، عرب، کرد، لر، به نظر می‌رسد که تا پذیرش حد نهایی حمایت شده سه فرزند در هر خانوار فاصله چشمگیری داشته باشیم و در برخی مناطق، به دلیل ساختارهای اقتصادی و اجتماعی موجود، این تفاوت بارزتر است. لذا نمی‌توان این گزینه را واقع بینانه دانست، مگر اینکه با کار فرهنگی در راستای افزایش آگاهی مردم بتوان تغییر در تمایلات فعلی قومیت‌های نامبرده ایجاد کرد.

۲- برای قومیت‌های ساکن شمال و نیز قومیت‌های فارس زبان در اکثر استانها این حد پذیرفتنی است و میتوان آن را به صورت حدی اعمال کردنی در آورد. در میان افراد نمونه‌ای از فارس زبانها در استانهای جنوبی کشور تمایل به داشتن فرزند بیشتر مشاهده شده است. اما با توجه به کمیت مجموعه فارس زبانها و ساکنان مناطق شمالی که بیش از ۵۰ درصد ساکنان کشور را در بر می‌گیرند می‌توان امیدوار بود که به تدریج سمت دادن اراده والدین برای دستیابی به حد فوق وضعیتی طبیعی پیدا کند.

۳- چگونگی مطلوبیت و رقم سه فرزند برای هر خانوار در مناطق گوناگون کشور یکسان نیست. ساکنان مناطق شمالی و مرکزی کشور دیدگاهی متفاوت با ساکنان مناطق جنوبی دارند. مردم منطقه‌های غربی کشور در مجموع گرایش همانندتر با گرایش مردم مناطق جنوبی دارند. اگرچه می‌توان در گروه سوم که حد فاصل میان مردم مناطق شمالی و جنوبی است، قرارشان داد.

۴- تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی بر انتخاب تعداد فرزندان در میان همه قومیتها بارز است. تنها در استان سیستان و بلوچستان این تأثیر به کمترین مقدار کاهش یافته است.

مقدمه:

طرف وحدود انتظارات برنامه ریزان در این مورد از

طرف دیگر طیفی را پدید می‌آورد که بررسی فاصله

تفاوت‌های رفتار اجتماعی در مورد باروری از یک

قطبهای آن نخستین هدف گزارش کنونی است. بدین معنی که دیدگاه قوه مقننه و قوه مجریه در مورد تعیین بیشترین تعداد فرزندان هر خانوار به سان هدفی اعلام شده و حمایت شده و تبلیغات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مورد حد کفایت تعداد فرزندان، قطب دیدگاه رسمی نظام اجرایی را منعکس می کند و رفتار مردم که در مشاهده های پژوهشگران بازتاب می یابد قطب عملکرد واقعی جامعه را نشان می دهد که دو قطب مخالف در این طیف اند. اگر این دو قطب نمایشگر فاصله بین واقعیت و هدف، یا فاصله میان «آنچه است و آنچه باید باشد» در نظر گرفته شود و وظیفه مشخص دستگاه اجرایی کاهش فاصله موجود و انطباق این دو قطب بر یکدیگر خواهد بود. ولی ما در این جا با سلسله ای از محدودیتها رودر روییم که در رفتارهای فردی و در نتیجه عملکرد سیستم اجرایی انعکاس می یابد. این محدودیتها به سان بخشی از موانع تحقق هدف یا اهداف، باید با دقت شناخته و شناسانیده شود تا نظام اجرایی به ابعاد مسوولیت خود آگاهی کاملتری پیدا کند و در جهت تطبیق نیازها و امکانات موجود اقدام به عمل آورد. به عنوان مثال، در ریاضیات اگر کسی مقدار متوسط یا میانگین سلسله ای از اعداد درست مثبت و منفی را محاسبه کند با سلسله ای از فرضهای معین می تواند انتظار داشته باشد که این میانگین به عدد صفر میل کند. اما، بدیهی است که میانگین مجموعه ای از اعداد درست مثبت همواره عددی مثبت است. انتظار دستیابی به میانگین صفر در این مورد انتظاری منطقی نیست و اگر این مجموعه را که مجموعه ای از اعداد «بسته

ویاز» است با منظور کردن فرضی اضافی، یعنی تعیین کرانه بالا به مجموعه ای از اعداد «بسته» تبدیل کنیم مسلم است که باز هم دستیابی به میانگین صفر عملی نخواهد بود. آنچه از دیدگاه نظام اجرایی به سان حمایت شده تعداد فرزندان هر خانوار مطرح شده است یعنی تا سه فرزند و آنچه از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تبلیغ می شود، یعنی «دو فرزند کافی است»، با واقعیتهای موجود اجتماعی که در آن شاهد مادرائی با بیش از پانزده فرزند هستیم و میانگین تعداد فرزندان زنان ازدواج کرده ۴۰ ساله به بالای ایران را بیش از ۸/۶ فرزند نشان می دهد انطباقپذیر نیست. اکنون که نظر مادران در مورد تعداد مطلوب فرزندان پرسیده شده است، مقایسه تفاوت دیدگاههای مادران و تمایل آنان با دیدگاههای رسمی را می توان نمایشگر فاصله ای شناخت که باید از میان برداشته شود. در این گزارش مطلوبیت سه فرزند و تمایل یا عدم تمایل مادران به داشتن فرزندان بیشتر را بررسی کرده ایم تا پایه بحث و گفتگو در باره واقع بینانه بودن گزینه انتخاب سه فرزند از سوی مقامات تصمیم گیرنده به سان حد حمایت شده شمار فرزندان، با توجه به عملکرد مادران، قرار گیرد.

با توجه به مطالب بالا، در استانهای کشور زنانی را که سه فرزند دارند، برمیگزینیم و تمایل آنان به داشتن تعداد بیشتری فرزند را با توجه به قومیتشان بررسی می کنیم تا بتوانیم تفاوت دیدگاه قومیتهای مختلف در استانها را در مورد این تعداد فرزند در هر خانوار از لحاظ علمی تجزیه و تحلیل کنیم.

روش تحقیق

روش تحقیق به کار رفته در این گزارش روش تجزیه عاملی است که یکی از روشهای شناخته شده آماری در تحلیلهای مختلف از جمله در قلمرو علوم اجتماعی است. این روش به طور خلاصه به شرح زیر است:

خلاصه‌ای درباره روش تجزیه عاملی ارتباطها

در این روش تحقیق هر موضوع پژوهش آماری، به صورت جدولهایی درمی آید (با چندسطریه نام افراد و چندستون به نام صفت یا متغیر). سپس عددهای هر سطر یا هر ستون بر مجموع آن سطر یا ستون تقسیم می شود تا نیمرخ هر سطر و نیمرخ هر ستون به دست آید. و نیز از تقسیم مجموع هر سطر و هر ستون بر جمع کل جدول، جرم هر سطر (نیمرخ) و جرم هر ستون (نیمرخ) تعیین می شود. پس ما به تعداد سطرها و ستونهای جدول نقطه‌ها (نیمرخها)ی جرمدار خواهیم داشت. مجموعه نیمرخهای سطرها و مجموعه نیمرخهای ستونها را به ترتیب سحابی سطرها و سحابی ستونها می نامیم.

هر نیمرخ سطری نقطه‌ای از فضای $J-1$ card J بعدی و هر نیمرخ ستونی نیز نقطه‌ای از فضای $I-1$ card I, بعدی است (I, J, I, J, I) به ترتیب مجموعه سطرها و مجموعه ستونها و تعداد سطرها و تعداد ستونها است).

مرکز ثقل^۱ هر يك از این دو سحابی را تعیین می کنیم. و برای تعیین زیر فضاهای بهینه (فضاهایی که تا حد امکان بعد آنها کم و در ضمن معتبر باشند) از این مرکز ثقل محورهای اصلی مانند^۲ (براساس

روش مینیمم کردن مجموع مربعات فاصله‌ها از زیر فضاها) را رسم می کنیم. این محورها برای هر دو سحابی مذکور یکی است و ماند دو محور متناظر در دو سحابی نیز مساوی است. بدین وسیله تکیه گاه دو سحابی مشخص می شود و بعد این دو را بر هم منطبق می سازند تا دو گروه نقطه سطری و ستونی در صفحه‌های مختلف ماند کنار هم قرار گیرند. این محورها دستگاه مختصات متعامد بهنجاری را تشکیل می دهند (دو به دو بر هم عمودند و واحد اندازه گیری آنها با واحد اندازه گیری فضای محیط مساوی است). سپس عاملهای هر نقطه از هر محور، جرم هر نقطه، برخه نسبی^۳ هر نقطه در تشکیل ماند هر محور و مربع کسینوس زاویه هر نقطه^۴ از هر محور که همبستگی آن نقطه را با آن نشان می دهد (دو پارامتر آخر برای تعیین نقطه‌های قابل مطالعه بر روی هر محور اهمیت دارد) و همچنین برخه نسبی^۵ هر نقطه در ماند کل را حساب می کنند. سپس نقطه‌های سطری و ستونی در روی صفحه‌های حاصل از دو به دو محورها با کد مربوطه تصویر می شوند. از این میان این نقطه‌ها آنهایی را انتخاب می کنیم که برخه نسبی آنها را در تشکیل محورها بزرگتر یا مساوی برخه نسبی متوسط^۶ باشد و مربع کسینوس زاویه آنها از محورها بزرگتر یا مساوی $300 (3/0)$ شود. نقطه‌های قابل بررسی در روی محورها و صفحه‌های مختلف را با توجه به پارامترهای مهمی که در پیش گفتیم تعیین و بعد آنها را بر صفحه‌های محورها مشخص می کنیم. بدین وسیله گروههای نقاط

شمالی (تاتی، تالشی، مازندرانی و گیلکی) و سایر چنانکه از جدول پیداست، دو محور اول و دوم مانند که مهمترین محورها در تجزیه ارتباطهاست روی هم ۹۵/۵ درصد از ماند کل جدول رابه ما داده است و برای نتیجه گیری از جدول کافی است که صفحه این محور را بررسی کنیم.

تعبیر محورها:

۱- محور اول: $\tau_1 = ۷۶/۵$ $\lambda_1 = ۰/۱۱۶$: نقطه‌هایی که همبستگی زیادی با این محور دارد به صورت دو گروه در سمت مثبت و منفی آن قرار دارد که در جدول زیر آورده می شود.

مخالف و گروههای نقطه های افراد و متغیرها پی می‌بریم. سرانجام ، ازبررسیهای ما بر روی هر محور در هر صفحه نتیجه کلی در باره موضوع بررسی حاصل می شود.

چنانکه دیدیم این روش نقاطی را که در فضاهایی با بعد بسیار بزرگ و خارج از دید ما قرار دارند با محروم شدن از مقداری اندک از آگاهیهای مندرج در جدول در فضایی که قابل دید ماست قرار می دهد، تا بتوانیم آنها را بررسی کنیم و به نتیجه لازم برسیم.

جدول تجزیه شده

جدولی که ما در اینجا مشاهده می‌کنیم مربوط به زنان سه فرزندی ۲۴ استان کشور است. این جدول ۱۰۶ سطر (مربوط به زبان مادران در استانها) و ۴ ستون (مربوط به متمایل، عدم تمایل و ندادن جواب وموارد دیگر در باره افزایش فرزند) دارد.

زبانهای مادران عبارتند از : فارسی، آذری، ارمنی، کردی، لری، عربی، بلوچی و زبانهای ساکنان مناطق

نتیجه تجزیه

جدول ماند و درصد آن

تراکم برحسب درصد	درصد ماند τ_α	ماند λ_α	محورها
۷۶/۵	۷۶/۵	۰/۱۱۶	۱
۹۵/۵	۱۹/۰	۰/۰۲۹	۲
۹۹/۵	۴/۰	۰/۰۰۶	۳

CTR	COR	F ₁	f _j	J ₁	*		عامل F ₁	جرم F _i	زبان- استان : I ₁
					CTR	COR			
۵۸۴	۹۹۹	۴۰۵	۴۱۴	تمایل دارند	۱۹	۹۶۸	-۳۷۲	۱۶	فارسی- بزد
۳۸۰	۹۲۷	-۲۹۷	۴۹۶	تمایل ندارند	۸	۸۹۱	-۲۷۲	۱۲	فارسی- همدان
					۱۲	۹۹۵	۱۱۸۸	۱	بلوچی- هرمزگان
					۱۰	۸۴۹	۲۹۰	۱۴	فارسی- هرمزگان
					۱۲	۷۷۷	-۲۷۶	۱۸	فارسی- مرکزی
					۱۳	۶۱۳	-۱۹۷	۴۰	شمالی- مازندران
					۸	۸۵۴	۱۶۳	۳۵	لری- لرستان
					۱۹	۷۹۵	-۲۷۱	۲۹	شمالی- گیلان
					۳۶	۹۲۹	۵۸۴	۱۲	لری- کهگیلویه
					۲۵	۸۹۰	۳۳۳	۲۶	فارسی- کرمان
					۱۲۶	۹۹۷	۸۸۴	۱۹	بلوچی- سیستان
					۶۵	۹۹۰	۸۸۴	۱۰	لری- چهارمحال
					۵۶	۹۸۰	۷۹۰	۱۰	کردی- ایلام
					۱۲	۹۷۳	۸۷۰	۲	لری- ایلام
					۲۶	۹۴۹	-۲۵۰	۴۸	فارسی- اصفهان
					۲۴	۸۵۴	-۳۳۵	۲۴	آذری- آذربایجان غربی
					۲۵	۹۵۸	۴۲۵	۱۶	کردی- خوزستان
					۱۰۶	۹۹۴	۶۸۰	۲۷	عربی- خوزستان
					۳۳	۹۹۷	۵۳۰	۱۴	لری- خوزستان
					۱۰	۹۶۹	-۱۷۵	۳۹	آذری- تهران
					۱۱۹	۹۴۲	-۳۵۹	۱۰۷	فارسی- تهران
					۲۲	۶۷۵	-۶۳۰	۷	شمالی- تهران
					۸	۶۳۰	۱۸۵	۲۶	کردی- کرمانشاه
					۳۱	۹۴۵	۵۳۸	۱۲	فارسی- سیستان

* در خلاصه‌ای از روش تجزیه ارتباطها توضیح شده است.

می دانند.

نتیجه گیری از محور اول:

زنان کردی، لری، فارسی، عربی و بلوچی زبان استانهای غرب، جنوب و جنوبغربی و شرق کشور تمایل دارند که بیشتر از سه فرزند داشته باشد، اما زنان آذری، فارسی و شمالی زبان استانهای شمالی، شمالغربی و تهران و مرکز قمایلی ندارند که تعداد فرزندان آنان از سه نفر تجاوز کند.

نتیجه های تجزیه

با مراجعه به جدول مربوط به کل کشور و موقعیت قومیتها و تمایل مشهود در آن، اولاً ملاحظه می کنیم که سمت جایگاه مادران عرب و بلوچ و بخصوص لری به سوی نقطه تمایل است. این جدول نشان می دهد که مادران عضو این قومیتها با داشتن سه فرزند تمایل قابل ملاحظه ای به داشتن فرزند بیشتر دارند. این نتیجه گیری با توجه به حد حمایت شده سه فرزند و دوری دیدگاههای مادران گروههای قومی فوق از آن

توجه: I_1, I_2 ترتیب نقطه های سطری و ستونی هستند که در تشکیل محور اول برخه زیادی دارند.

سمت مثبت محور:

زنان کردی زبان استانهای کرمانشاه، آذربایجان غربی، ایلام «زنان فارسی زبان استانهای «کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان» زنان لری زبان استانهای «لرستان، خوزستان، کهگیلویه و بویر احمد، چهارمحال بختیاری» زنان عربی زبان استان خوزستان و زنان بلوچی زبان سیستان و بلوچستان با داشتن سه فرزند باز تمایل به افزایش فرزند دارند.

سمت منفی محور:

زنان آذری زبان استانهای آذربایجان غربی، تهران، فارسی، زبان استانهای یزد، اصفهان، همدان و تهران و مرکزی و زنان شمالی زبان استانهای مازندران و گیلان که سه فرزند دارند در باره تمایل به افزایش فرزند جواب منفی داده اند، یعنی داشتن سه فرزند را کافی

۲- محور دوم

نقطه هایی که همبستگی زیادی با این محور دارند فقط یک گروه را تشکیل داده اند که در قسمت منفی

این محور قرار دارد و آنها در جدول زیر مرتب شده اند.

زبان- استان: I_2	جرم	F2	COR	CTR	J_2	جرم	F2	COR	CTR
آذری- خراسان	۷	-۲۳۲	۹۰۶	۱۴	نمی داند	۸۹	-۵۳۷	۸۶۴	۸۷۵
آذری- زنجان	۲۹	-۴۲۵	۹۵۴	۱۷۸					
کردی- خراسان	۵	-۵۸۸	۹۹۴	۶۲					

نتیجه گیری از محور دوم:

خراسان در باره افزایش فرزند نظر مشخصی ابراز نکرده اند.

زنان کردی زبان خراسان و زنان آذری زبان زنجان و

اجتماعی در هر مورد به بروز تغییرات رفتاری و فرهنگی در آنها می انجامد. به عبارت دیگر، مثلاً یک زن دانش آموخته از هر قومیت را که در نظر بگیریم قطعاً تعداد فرزند کمتری نسبت به زنان بی سواد همسان قومیت خواهد داشت. در اینجا عامل آموزش تأثیرهای قابل ملاحظه‌ای به جا گذاشته و دو عضو یک قومیت را از یکدیگر متمایز کرده است. همچنین قومیت‌هایی که از یک منطقه به منطقه دیگر مهاجرت می کنند اگر چه تا مدت‌ها بر حسب ظاهر فرهنگ زادگاه خود را پاس می دارند، ناگزیرند بین فرهنگ زادگاه و فرهنگ زیستگاه خود سازش ایجاد کنند. اکنون با توجه به توزیع جغرافیایی قومیتها، با مراجعه به جدول استانها، وضعیت رفتاری قومیتها نسبت به مساله باروری را بررسی می کنیم و تفاوت‌های موجود بین قومیت‌های ساکن استانها و تفاوت‌های موجود در درون یک قومیت را توأمأً به بحث می گذاریم. با توجه به موقعیت قومیت‌های ساکن استانها در سمت مثبت محور اول چگونگی قرار گرفتن آنها ملاحظه می کنیم که کردهای ساکن کرمانشاه و آذربایجان غربی و ایلام به گونه‌ای بارزتر از کردهای ساکن استانهای دیگر به داشتن فرزند بیشتر تمایل دارند. بخصوص وضع کردهای ایلام در این مورد قابل بررسی است. وضعیتی همانند در مورد لرهای خوزستان، لرستان، کهگیلویه و بویر احمد و ایلام و چهارمحال و بختیاری وجود دارد. در بین این قومیتها نیز وضع لرهای ایلام و چهارمحال از جایگاهی ویژه برخوردار است.

نتیجه‌گیری به عمل آمده در مورد بلوچها نیز صادق است. با توجه به تمرکز عمده بلوچها در استان سیستان و بلوچستان و موقعیت این استان بر روی صفحه می توان

نشان می دهد که آگاهی دادن به این گروه از قومیتها نیازمند کار فرهنگی گسترده و فعالیتهای چشمگیر است. علاوه بر این، جایگاه آذری زبانها با توجه به قرار گرفتن آن بر روی محور اول و نزدیکی آن به گروه سوم، یعنی به جایگاه کسانی که در باره تمایل و عدم تمایل به داشتن فرزند بیشتر اظهار نظر صریحی نکرده اند، نشان می دهد که اعضای این گروه نیز اگر چه حد سه فرزند را مطلوب می دانند در اعمال اراده برای رعایت سقف سه فرزند در هر خانوار مردند و احتمال دارد که باز صاحب فرزند شوند. از طرف دیگر ملاحظه می شود که جایگاه دو گروه از قومیتها، یعنی فارسی زبانها و کسانی که به لهجه های شمالی سخن می گویند از سایر گروهها به عدم تمایل نزدیکتر و از این لحاظ از جرم کافی برخوردار بوده است. با توجه به کمی تعداد آرامنه، ظاهر شدن آنان در این بخش و نزدیکی جایگاهشان به عدم تمایل علی رغم جرم ناچیز آنها را می توان بیانگر تمایل بیشترشان به کنترل شمار فرزندان دانست که پس از آنها به ترتیب شمالیها و فارسی زبانها قرار می گیرند. اینک با توجه به یافته های جدول کل کشور به بررسی تحلیل انجام شده در مورد توزیع جغرافیایی قومیتها (تقسیمات استانی) می پردازیم. سبب این امر در درجه اول آن است که انتظار نمی رود قومیتها از شرایط اقتصادی و اجتماعی یکسانی برخوردار باشند. علاوه بر این، انتظار می رود که با توجه به تمرکز قومیت‌های معین در برخی استانها، فرهنگ قومی در آن استانها قویتر عمل کند و برعکس در برخی استانهای دیگر به دلیل کمی تعداد افراد وابسته به قومیت معین در آنها فرهنگ غالب جامعه فرهنگ قومیتی را تحت الشعاع قرار دارد. تردیدی نیست که تغییر وضعیت

شده است گروه مادران آذری زبان استانهای آذربایجان غربی و تهران است که تمایلی به افزایش فرزند ندارند. در مورد محور دوم و جایگاه قومیتها نسبت به آن ملاحظه می‌کنیم که تنها آذریهای خوزستان و زنجان و کردهای خراسان از چگالی قابل بررسی روی این محور برخوردارند و جایگاه آنها با جایگاه زنانی که در مورد تعداد فرزندان عقیده معینی ابراز نداشته‌اند تطبیق می‌کند. می‌توان این عدم اظهار عقیده صریح در مورد داشتن یا نداشتن فرزند بیشتر را با توجه به ویژگیهای جامعه ایرانی در جهت تمایل به داشتن بیشتر تعبیر کرد. در همین حال به نظر می‌رسد که، با انجام کار فرهنگی، کمتر بتوان قومیتهای ساکن مناطق نامبرده را به سمت اتخاذ تصمیم قطعی سوق داد.



در مورد این سه قومیت به یک نتیجه کلی دست یافت و آن اینکه موقعیت جغرافیایی قومیتها بیش از آداب و سنن قومی در تمایلات آنها به افزایش تعداد فرزندان موثر است. این نتیجه گیری با توجه به یافته‌های جدول مربوط به کل کشور تأیید می‌شود. علی‌رغم نتیجه به دست آمده در جدول مربوط به کل کشور برای فارسی زبانها و عدم تمایل آنها به داشتن فرزند بیشتر در سطح کل کشور، در اینجا ملاحظه می‌کنیم که فارسی زبانهای استانهای هرمزگان، کرمان و سیستان و بلوچستان به تبعیت از خصوصیات اقتصادی و اجتماعی محیط زندگیشان تمایل خود را به داشتن فرزند بیشتر نشان داده‌اند در این سمت محور جایگاه عرب زبانهای ساکن خوزستان قابل بررسی است. گروه اخیر که به دلیل کمی تعداد آنها در سایر استانها ظاهر نشده‌اند در این استان وضعیتی همانند با بلوچهای سیستان و بلوچستان (با اندکی گرایش به سمت چپ) دارند.

سمت چپ محور

در این بخش جایگاه قومیتهای فارسی زبان استانهای تهران، همدان، یزد، اصفهان و مرکزی، به دلیل نزدیکی آنها به نقطه عدم تمایل و اهمیت چگالی آنها، نشان دهنده تمایل بیشتر آنها به محدودیت تعداد فرزندان است. پس از فارسی زبانها وضعیت شمالی زبانهای استانهای مازندران و گیلان با توجه به موقعیت جغرافیایی آنها قابل بررسی است. در این گروه شمالی زبانهای مازندران به گواهی قرار گرفتن آنها بر روی دو محور، از موقعیت ویژه برخوردارند. آخرین گروهی که در این قسمت ظاهر

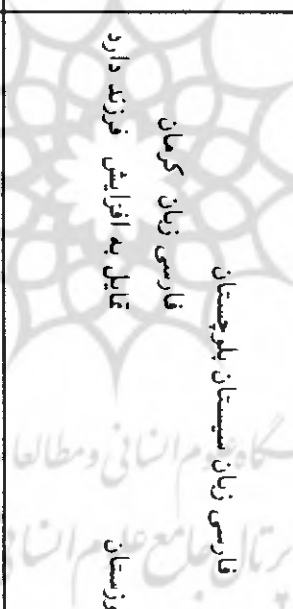
کل کشور
 نتیجه تجربه جدول مادران ۳ فرزندی، با توجه زبان مادری و تمایل و عدم تمایل آنها به داشتن فرزند بیشتر در کل کشور

محمود دوم	محمود اول
$\lambda_2 = 0. / 0.03$	$\lambda_1 = 0. / 0.056$
$\tau_2 = 4/5$	$\tau_1 = 93\%$
آذری زبان نمی داند	عرب زبان ندارد
فارسی زبان	کردی زبان
تایلند	لری زبان
ارمنی زبان	بلوچی زبان
شمالی زبان	



نتیجه تجزیه جدول مادوان ۳ فرزندی، با توجه زبان مادری و تمایل و عدم تمایل آنها به داشتن فرزند بیشتر در استانها

محور دوم $\lambda_1 = 0.29$ $\tau_1 = 19\%$		شمالی زبان مازندران	
شمالی زبان گیلان	شمالی زبان تهران	شمالی زبان مازندران	شمالی زبان مازندران
فارسی زبان تهران	فارسی زبان کردستان	کردی زبان کردستان	کردی زبان ایلام
فارسی زبان همدان	فارسی زبان تهران	آذری زبان تهران	کردی زبان ایلام
فارسی زبان اصفهان	فارسی زبان اصفهان	فارسی زبان اصفهان	کردی زبان ایلام
تخیل به افزایش فرزند ندارد			
$\lambda_1 = 0.116$ $\tau_1 = 76/5\%$	فارسی زبان یزد	فارسی زبان خراسان	بلوچی زبان سیستان بلوچستان
فارسی زبان خراسان	آذری زبان آذربایجان غربی	لری زبان لرستان	عرب زبان خوزستان
آذری زبان خراسان	آذری زبان آذربایجان غربی	کردهی زبان کرمانشاه	بلوچی زبان سیستان بلوچستان
شمالی زبان تهران	شمالی زبان تهران	آذری زبان زنجان	
در باره افزایش فرزند مورد است	در باره افزایش فرزند مورد است	آذری زبان خراسان	
آذری زبان کرمانشاه	آذری زبان کرمانشاه	کردهی زبان خراسان	



پانویشت:

منابع

۱- نتایج طرح آمارگیری زاد وولد سال ۱۳۷۰ سازمان ثبت احوال کشور و وزرات بهداشت درمان و آموزش پزشکی

1- J.P.ET F. BENZECRI 1980: PRATIQUE DE L' ANALYSE DES DO NN EES:

ANALYSE DES CORRESPONDANCES

DUNOD PARIS

2- J.P. F ENELON - BE 1973 ANALYSE FACTORIELLE DES CORRSPONDANCES (PROGRAMME VERSION TABET- 1)

۱- مرکز ثقل هر يك از دو سحابی عبارت است از میانگین موزون نیمرخهای سطرها و میانگین موزون نیمرخهای ستونها.

۲- ماند (اینرسی) هر نیمرخ نسبت به مرکز ثقل آن برابر با حاصلضرب جرم آن در مربع فاصله آن از مرکز ثقل خود است و مجموع ماند نیمرخهای سطری یا ستونی را ماند کل جدول یا اثر می نامند.

۳- $F_{\alpha}(i) = \frac{f_i F_{\alpha}^2(i)}{\lambda_{\alpha}}$ که در آن $CTR_{\alpha}(i)$ عامل نیمرخ آروی محور α ، f_i جرم نیمرخ i و λ_{α} ماند محور α است.

که در آن $k(i)$ مجموع سطر i ام و k مجموع کل جدول است.

۴-

$$COR_{\alpha}(i) = \cos^2 \theta_{\alpha}^0(i) = F_{\alpha}^2(i) / \sum F_{\alpha}^2(i)$$

$\theta_{\alpha}^0(i)$ زاویه نقطه‌ی (نیمرخ) i ام با محور α را نشان می‌دهد و $i \in I$

$$5- اثر / \forall i \in I \quad INR(i) = f_i \sum_{\alpha=1}^r F_{\alpha}^2(i)$$

۶- برخه‌های نسبی متوسط نیمرخهای سطری و ستونی به ترتیب عبارت است از:

تعداد ستونها / ۱۰۰۰ و تعداد سطرها / ۱۰۰۰

* برای بررسی دقیق و کلی این روش به کتاب « تحلیل داده‌ها»، ترجمه‌ی اینجانب از کتاب « عمل تجزیه داده‌ها» تألیف پروفیسور بن ذکری که به همت انتشارات دانشگاه شهید بهشتی انتشار یافته است، مراجعه کنید.